

شهریور ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۳۸۹

ملاحظات سیاستی راه‌اندازی مجدد «شورای (عالی) سینما»





مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۳۸۹

کد موضوعی: ۲۷۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ملاحظات سیاستی راه‌اندازی مجدد «شورای عالی» سینما»

نام دفتر: مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه فرهنگ عمومی، هنر و صنایع خلاق)

تهیه و تدوین: ابراهیم غلامپور آهنگر

اظهار نظرکننده خارج از مرکز: سعید رجبی فروتن

ناظران علمی: موسی بیات، رضا مستمع

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. سینما

۲. شورای سینما

۳. شورای عالی

۴. سازمان امور سینمایی

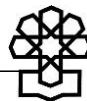


تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۴.....	پیشینه تشکیل شورای سینما.....
۱۱.....	موانع تشکیل شورای عالی سینما.....
۱۴.....	ملاحظات راه‌اندازی مجدد شورای (عالی) سینما.....
۲۰.....	منابع و مآخذ.....



ملاحظات سیاستی راه‌اندازی مجدد «شورای عالی سینما»

چکیده

«شورای عالی سینما» در سال ۱۳۸۹ تشکیل و در سال ۱۳۹۰ با ایراد وارده از سوی هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس شورای اسلامی و اعلام رئیس مجلس شورای اسلامی مصوبه تاسیس شورا لغو و در سال ۱۳۹۵ منحل اعلام شد. اما دولت سیزدهم با تغییر در سطح و با عنوان «شورای سینما» مجدداً تشکیل آن را در آخرین ماه‌های سال ۱۴۰۰ تصویب کرد. شورای عالی سابق به دلایلی چون ایراد قانونی وارد شده به آیین‌نامه مصوب، عدم همراهی رئیس شورا با آن، اجرایی نشدن مصوبات، ایجاد ساختاری موازی در کنار ساختارهای تصمیم‌سازی موجود، احتمال نبود پذیرش تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی نهادهایی که خارج از دولت هستند و نبود پشتیبانی لازم از سوی بدنه سینما برای تداوم فعالیت به اهداف خود نرسید. این موضوع تجربیات الزام‌آوری را فراهم کرده که می‌توان در «شورای سینما» مورد استفاده قرار داد. الزاماتی چون حضور مشورتی نمایندگان از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در شورا، کمک به رفع خلأ قانون جامع برای سینما، تعامل با شورای عالی انقلاب فرهنگی، تقویت شرایط لازم برای اجرای تدابیر شورا، تقویت اندیشه‌ورزی چندبعدی در ساختار شورا، تعیین شأن حکمرانی در اتخاذ تدابیر، تنظیم نسبت تصمیمات شورای سینما با تصمیمات شوراهای هم‌سطح یا بالاتر، توجه به داشتن نگاه فرابخشی و عدم تعارض

منافع برای چینش اعضای شورا و رعایت اصول مربوط به شفافیت و حضور عموم که در مسیر راه‌اندازی اثربخش شورای سینما تأثیر گذارند.

مقدمه

شورای عالی سینما یکی از سازوکارهای تصمیم‌گیری مورد توجه سیاستگذاران سینمای ایران است زیرا در گذشته نیز چنین شورایی تشکیل و تصمیماتی هم اتخاذ شد. اما شورای عالی چیست و چه کارکردهایی دارد که این سازوکار تصمیم‌گیری در ارکان مختلف نظام حکمرانی کشور وجود دارد.

ایده شوراها مربوط به اکثر نظام‌های سیاسی است و به‌عنوان یک ساختار فربخشی در خصوص موضوعات و بخش‌های حائز اهمیت مورد توجه تصمیم‌گیران است. در کشور ما نیز این ساختار از گذشته وجود داشته و تاکنون نیز شاهد آن هستیم. در حال حاضر بنا به اقوال غیررسمی^۱ در حدود یکصد شورای عالی در ساختار حکمرانی ثبت شده که برخی فعال و برخی دیگر غیرفعال هستند. هرچند قانون «تعیین وضعیت شوراها عالی» مصوب ۱۳۸۷/۰۶/۰۷ مجلس شورای اسلامی و تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۸ شورا را به رسمیت شناخت، اما در عمل هیچگاه اجرایی نشد و از نظر تعداد، بر همان منوال است.

در نظام حقوقی کنونی کشور ما، سه سطح از شوراها عالی پیش‌بینی شده است: دسته نخست، شوراها ایجاد شده به موجب فرامین مقام معظم رهبری می‌باشند که عبارتند از: شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی. دسته دوم را می‌توان شوراها مصرح در قانون اساسی دانست که عبارتند از: شورای عالی استان‌ها (اصول یکصد و یک و یکصد و دو قانون اساسی) و شورای عالی امنیت ملی (اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی). گروه سوم نیز شوراها هستند که به موجب قوانین

1. <https://shenasname.ir/doctrin/6861-%D9%81%D9%87%D8%B1%D8%B3%D8%AA>



عادی او یا مصوبات هیئت وزیران یا قوه قضائیه^۱ تأسیس شده‌اند. از «شوراهای عالی (اداری)» تعریف دقیق و یکسانی، از نظر حقوقی، اجرایی و سازمانی وجود ندارد. اما، بر مبنای اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی^۱ می‌توان شوراهای اداری را سازوکارهایی از سوی قوه مجریه به‌شمار آورد که برای اتخاذ و تصویب مقررات مربوط به یک حوزه خاص فرابخشی تشکیل می‌شوند. ویژگی خاص آنها این است که رئیس‌جمهور به‌عنوان نخستین شخصیت حقوقی قوه مجریه یا معاون ایشان یا یکی از وزرا ریاست آن را برعهده دارد و حداقل دو حوزه وزارتی در آن حضور داشته تا تصمیمات کلان حوزه تخصصی اتخاذ شود. حتی ممکن است سازمان‌های دولتی و سایر دستگاه‌های اجرایی نیز در آن عضو باشند. قطعاً خصلت فرابخشی بودن مسائل هر یک از حوزه‌های تخصصی و لزوم هماهنگی سیاست‌ها و برنامه‌های پیرامون این مسائل از جانب مجریان مختلف چنین ساختاری را طلب کرده است؛ زیرا بسیاری از مسائل علاوه بر اینکه حلقه‌های اولیه مبتلایان به آن مسئله را دربردارد، دارای تأثیراتی فراترند که جنبه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، زیست‌محیطی و مانند آنها را می‌توانند شامل شوند. گاهی در صورت عدم توجه کافی به عوارض فرابخشی آن، هزینه‌های سنگینی را بر جامعه وارد می‌کنند.

این گزارش به بررسی سابقه شکل‌گیری شورای عالی در سینما خواهد پرداخت و اینکه توجه دولت سیزدهم به شورای سینما جلب شده و قصد راه‌اندازی شورای برای سینما دارد، چه ملاحظاتی را نسبت به آن باید مورد توجه قرار دهد.

۱. اصل یکصدوسی‌وهشتم: علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیاید با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.

پیشینه تشکیل شورای سینما

پیش از اینکه در دولت سیزدهم تصمیم به راه‌اندازی شورای سینما گرفته شود، اقدام‌هایی برای راه‌اندازی شورا و تشکیل آن انجام و به نتایجی هم رسید. در دولت هفتم بحث «شورای عالی صنعت سینما» مطرح و در سطح وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شکل گرفت. اما اولین «شورای عالی سینما» در دولت دهم و با تصویب هیئت دولت در تاریخ ۱۳۸۹/۰۴/۳۰ تشکیل شد و با ارتقای سطح شورا، ترکیب زیر برای آن در نظر گرفته شد:

- رئیس‌جمهور (رئیس)
- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (نایب رئیس)
- رئیس کمیسیون فرهنگی هیئت دولت
- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی
- نماینده صنوف سینمایی
- نماینده تشکل‌های مستقل سینمایی
- پنج نفر از سینماگران معتبر شناخته شده به انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
- معاون سینمایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (دبیر)

در دومین جلسه شورا در مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۲ آیین‌نامه آن نیز به تصویب رسید. در ماده (۱) آن آمده که «شورای عالی سینما» متشکل از نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور، براساس تصویب‌نامه شماره ۴۵۱۷۵/۱۶۳۹۳۴ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۴ هیئت وزیران، به استناد اصول یکصد و بیست و هفتم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عالی‌ترین مرجع سینمای کشور تشکیل می‌گردد. این آیین‌نامه را در تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۲۹ رئیس‌جمهور ابلاغ کرد.



برخی از اهدافی که برای شورای عالی سینما ذکر شده شامل موارد ذیل بود: اعمال سیاست‌های واحد و متمرکز در حوزه سینمای ایران برای اجرا توسط تمامی دستگاه‌های اجرایی و مراجع ذی‌ربط؛ مدیریت واحد و متمرکز تمامی منابع و امکانات ملی در عرصه سینما؛ تقویت مؤلفه‌های سینمای ملی؛ رونق اقتصاد سینما و توانمندسازی بخش غیردولتی فعال در حوزه سینما؛ پیشرفت متوازن زیرساخت‌های سینمای ایران؛ حمایت و هدایت سینمای ایران؛ گسترش، تنظیم و ساماندهی بازار فیلم؛ افزایش کمی و ارتقای کیفی تولیدات سینمای ایران؛ و شناسایی و پرورش استعدادهاى جدید.

مطابق ماده (۳) این آیین‌نامه وظایف مختلفی برای شورای عالی سینما در نظر گرفته شده بود؛ مانند تعیین سازوکارهای لازم برای اعمال مدیریت هماهنگ منابع و امکانات ملی در عرصه سینما؛ تصویب برنامه‌های حمایت از تولید آثار فاخر سینمایی؛ تصویب شیوه‌های حمایت از توسعه شهرک‌ها، پردیس‌ها و فضاهای سینمایی؛ ارائه تسهیلات و پشتیبانی مالی و اعتباری و حمایت از تأمین کالاها، خدمات و فعالیت‌های سینمایی؛ تصویب طرح‌های کلان و راهبردی سینمای ایران و اختصاص منابع لازم؛ پیشنهاد مقررات و لوایح موردنیاز در حوزه سینما به مراجع ذی‌ربط؛ اتخاذ راهکارهای مناسب و اصلاح زیرساخت‌ها به منظور بهبود شیوه‌های آموزش و تربیت سینماگران متعهد؛ تصویب برنامه‌های حمایت از فعالیت‌های پژوهشی و دستیابی به فناوری‌های روز در حوزه صنعت سینما. اما مهمترین آن‌ها «تصویب سیاست‌های کلان سینمای ایران» بود.

همچنین مقرر شد جلسات «شورای عالی سینما» هر سه ماه یکبار با حضور رئیس یا نایب‌رئیس و حداقل دوسوم اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آن با موافقت اکثریت حاضرین و تأیید رئیس‌جمهور اتخاذ گردد. این تصمیمات با رعایت ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی هیئت دولت، پس از تأیید رئیس‌جمهور، توسط رئیس جلسه شورای عالی ابلاغ

گردیده و حسب مورد در حکم تصمیمات رئیس‌جمهور و هیئت وزیران و در چارچوب قوانین و مقررات مربوط برای کلیه دستگاه‌های اجرایی و مراجع ذی‌ربط لازم‌الاجرا باشد. همچنین «کمیسیون تخصصی شورای عالی سینما» به‌منظور بررسی و اظهارنظر تخصصی در خصوص دستور جلسات شورای عالی، با ترکیب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون امور سینمایی، هفت نفر کارشناسان سینمایی و سینماگران عضو شورای عالی سینما و سه نفر صاحب‌نظر تشکیل گردد و خود کمیسیون نیز می‌توانست کارگروه‌های تخصصی تشکیل دهد. دبیرخانه شورای عالی هم در معاونت امور سینمایی تشکیل شد. در عمل تنها سه جلسه شورای عالی برگزار شد که رئیس‌جمهور وقت به‌عنوان رئیس شورای عالی سینما در دو جلسه آن شرکت کرد؛ اما بقیه جلسات بدون حضور ایشان و در سطح شورای تخصصی برگزار شد. شورای عالی سینما در سومین جلسه مورخ ۱۳۹۰/۴/۷ تصمیمات ذیل را اتخاذ نمود و با تأیید رئیس‌جمهور تصویب شد.

در این مصوبه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (سازمان برنامه و بودجه امروزی) مکلف شده بود علاوه بر اعتباراتی که در لوایح بودجه سنواتی برای سینما تعیین شده بود: مبلغ هزار و پانصد میلیارد (۱.۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال برای «حمایت از پیشرفت سینمای اسلامی-ایرانی»؛ سالانه هزار و پانصد میلیارد (۱.۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در قالب ردیف جدید «حمایت از پیشرفت سینمای اسلامی-ایرانی»؛ مبلغ پانصد میلیارد (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال برای تأمین سرمایه اولیه «صندوق بیمه فرهنگ و هنر» و پیش‌بینی منابع لازم برای حمایت از صندوق مزبور را در لوایح بودجه سنواتی سال‌های بعد؛ مبلغ یکصد و پنجاه میلیارد (۱۵۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال برای حمایت از احداث پردیس سینمایی در تهران؛ مبلغ هشتاد میلیارد (۸۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال برای حمایت از استهلاک دیون معوقه سینماداران و سینماگران به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری؛ تأمین منابع لازم برای استرداد مبالغ مالیات



بر ارزش افزوده اخذ شده از سینماگران دارای مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مؤدیان یادشده، به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بپردازد.

واردات کالاها و خدمات سینمایی و سمعی و بصری و همچنین کالاها و خدمات مورد نیاز برای فعالیت‌های سینمایی و خدمات مرتبط از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی معاف شده بودند.

وزارت راه و شهرسازی و سازمان منابع طبیعی مکلف شدند زمین برای ایجاد شهرک‌ها، پردیس‌ها و مراکز خدمات سینمایی را با حداکثر ده درصد (۱۰٪) قیمت منطقه‌ای و اقساط درازمدت حداقل بیست (۲۰) ساله به بخش‌های دولتی، عمومی غیردولتی، خصوصی و تعاونی واگذار نمایند.

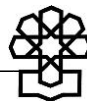
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف شده بود تا اقدام قانونی لازم را برای ایجاد «نظام صنفی سینمایی» در قالب مؤسسه عمومی غیردولتی به‌عمل آورد؛ با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی «صندوق بیمه فرهنگ و هنر» در قالب صندوق خصوصی بیمه اجتماعی و بیمه سلامت تأسیس کند؛ قوانین جاری را بازنگری و احکام قانونی جدید پیشنهاد نماید؛ تا سقف ۱۵ درصد بلیت‌های مجموع ظرفیت تمامی نوبت‌های نمایش سالن‌های سینمای کشور را خریداری و به رایگان در اختیار اقشار اولویت‌دار قرار دهد؛ حمایت‌های لازم را از ایجاد، توسعه و تجهیز مراکز غیردولتی ارائه خدمات سینمایی (از قبیل استودیو، لابراتوار، خدمات جلوه‌های ویژه، خدمات فیلمبرداری، اجاره تجهیزات و ...) به‌ویژه در قالب شهرک‌های سینمایی به‌عمل آورد؛ حمایت‌های لازم را از مراکز بازاریابی جهانی آثار سینمایی ایران به‌عمل آورده و مشوق‌های صادراتی برای آثار، محصولات و خدمات سینمایی اعطا نماید؛ اقدامات لازم را برای «مؤسسه آکادمی علوم، فنون، تجربه و هنر سینما» در قالب مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی غیردولتی به‌عمل آورد.

اما در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۱۵ رئیس مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای اعلام کرد که: «۱. به موجب قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - مصوب ۱۳۶۵ - به ویژه بندهای سی‌گانه مندرج در ذیل ماده (۲) قانون، تمامی فعالیت‌های مربوط به حوزه سینما، از جمله وظایف و اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان مسئول اجرای سیاست‌های رسمی نظام در زمینه‌های فرهنگ عمومی می‌باشد، علی‌هذا، عبارت مندرج در صدر مصوبه، متضمن تجویز واگذاری تکالیف راجع به «بررسی مسائل مربوط به سینما و هماهنگی دستگاه‌های مربوط» به «شورای عالی سینما»، چون از حیث اطلاق، منحل با وظایف و اختیارات قانونی دستگاه اجرائی ذیربط است، مغایر با قانون می‌باشد.

۲. مفاد مندرج در آیین‌نامه‌های مترتبه، از جمله: الف) آیین‌نامه شورای عالی سینما، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۰۹۴۱۰ مورخ ۱۳۹۰/۵/۲۵، ب - تصمیم‌نامه موضوع مصوبه شماره ۱۰۹۴۳۹ مورخ ۱۳۹۰/۵/۲۹ هر دو فقره به‌عنوان مصوبات شورای عالی سینما، از حیث منحل بودن با وظایف قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مبنیاً بر مغایرت مذکور در فوق، مغایر با قانون می‌باشد.»

بدین ترتیب، موجودیت شورای عالی سینما و مصوبات آن مورد سوال جدی قرار می‌گیرد و از منظر قانونی مسئله می‌شود. اما واکنشی از سوی دولت دهم در یک هفته تعیین شده بروز نمی‌کند تا آنکه در دولت یازدهم و برگزاری چند جلسه و در سال ۱۳۹۵ این شورا به‌طور رسمی منحل اعلام می‌شود.^۱ پس از آن هیچ اقدامی از سوی دولت برای رفع اشکال وارد شده و حتی اجرای مصوبات انجام نمی‌پذیرد، تا اینکه دولت سیزدهم روی کار می‌آید.

۱. اعلان رئیس سازمان سینمایی وقت در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ و تأیید توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۹۵ به استناد رأی هیئت تطبیق قوانین مجلس شورای اسلامی.
<https://www.mehrnews.com/news/3601878/%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C>



در آبان‌ماه ۱۴۰۰ وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید می‌کند که «با حضور رئیس‌جمهور در حال راه‌اندازی شورای عالی سینما هستیم»^۱. اما در عمل به شکلی که وزیر اعلام کرده بود اتفاق نمی‌افتد و «شورای سینما» را شکل داده که ریاست آن با معاون اول رئیس‌جمهور است. بر این اساس مصوبه جدید در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۱ هیئت وزیران برای «تشکیل شورای سینما» تصویب و در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ از سوی معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شد.

این مصوبه به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای ماده (۲) قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - مصوب ۱۳۶۵ - تصویب شد. در بند «۱» مقرر شد «در راستای گسترش فناوری نرم و به‌منظور هم‌افزایی و تقویت ارتباط میان بخش‌های سیاست‌گذاری، اجرایی، نظارتی، آموزشی، مطالعاتی، علمی و تولیدی در حوزه هنر - صنعت صوت و تصویر و سینما و افزایش هماهنگی و همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و فنی دستگاه‌های اجرایی و نهادهای ذی‌ربط با بخش غیردولتی در عرصه فعالیت‌های سینمایی و سمعی - بصری و ارتقای سطح کمی و کیفی محصولات، تولید و عرضه آثار سینمایی شاخص و ارزشمند و بررسی و رفع چالش‌ها و معضلات، «شورای سینما» با عضویت معاون اول رئیس‌جمهور (رئیس)، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (نایب‌رئیس)، دو نفر از وزرا به انتخاب معاون اول رئیس‌جمهور، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، مدیر حوزه‌های علمیه، رئیس یکی از دانشگاه‌های دولتی هنر به انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، هفت نفر از سینماگران و نمایندگان اصناف و تشکل‌های حوزه سینما به انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که حداقل دو نفر از

آنها از بانوان خواهد بود، و رئیس سازمان امور سینمایی و سمعی بصری (دبیر) تشکیل خواهد شد. احکام این اعضا با امضای معاون اول رئیس‌جمهور صادر می‌شود.

اهدافی که برای شورای سینما ذکر شده شامل: گسترش سینمای ملی در تراز انقلاب اسلامی؛ اعمال سیاست‌های واحد در حوزه سینمای ایران برای اجرا توسط تمامی دستگاه‌های اجرایی و مراجع ذی‌ربط در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی؛ مدیریت واحد و متمرکز تمامی منابع و امکانات ملی در عرصه سینما؛ پیشرفت همه‌جانبه کمی و کیفی توانمندی‌های ملی در عرصه سینما؛ پیشرفت متوازن زیرساخت‌های سینمای ایران؛ تقویت مؤلفه‌های سینمای ملی به‌عنوان یکی از عناصر هویت اسلامی - ایرانی؛ رونق اقتصاد سینما و توانمندسازی بخش غیردولتی فعال در حوزه سینما؛ حمایت و هدایت سینمای ایران در جهت تحقق اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی؛ ارتقای حضور اثرگذار و مشارکت سینمای ایران در عرصه بین‌المللی؛ گسترش، تنظیم و ساماندهی بازار فیلم در راستای توسعه اقتصاد سینما و پاسخگویی به نیازها و مطالبات مخاطبان؛ افزایش کمی و ارتقای کیفی تولیدات سینمای ایران با توجه به مضامین و موضوع (سوژه)های ارزشمند؛ تقویت و ساماندهی آموزش و پژوهش‌های سینمایی کشور متناسب با رویکردها و جهت‌گیری‌های پیشرفت سینما در کشور؛ شناسایی و پرورش استعدادهای جدید و تربیت نیروهای متخصص و متعهد به ارزش‌های اسلامی - ایرانی متناسب با گسترش و پیشرفت صنعت سینما در کشور.

اما در بیان وظایف شورای سینما برخلاف آیین‌نامه شورای عالی سینما از سیاستگذاری دست کشیده و به تعیین راهبردهای سینمایی کشور؛ تعیین سازوکارهای لازم برای اعمال مدیریت هماهنگ در عرصه سینما؛ تقویت ارتباط میان بخش‌های سیاستگذاری، اجرایی، نظارتی، آموزشی، مطالعاتی، علمی و تولیدی در حوزه هنر - صنعت سینما؛ افزایش هماهنگی و همکاری فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و فنی



دستگاه‌های اجرایی در عرصه سینما؛ حمایت از تولید آثار سینمایی شاخص و ارزشمند؛ توسعه زیرساخت سینمای کشور؛ پیشنهاد مقررات و لوایح مورد نیاز سینما به مراجع ذی‌ربط؛ تعیین راهکارهای مناسب برای توسعه دانش سینمایی و تربیت سینماگران متعهد و انقلابی؛ کمک به دستیابی به فناوری‌های نوین در حوزه صنعت سینما؛ زمینه‌سازی [به جای اعطاء] برای برخورداری طرح‌های مهم سینمایی از منابع و تسهیلات ارزان‌قیمت بانکی؛ حمایت از اجرای طرح نهضت تولید محتوای سینمایی و سمعی و بصری و توسعه بازار داخلی و بین‌المللی سینمای ایران؛ حمایت از ارتقای منزلت اجتماعی سینماگران؛ و بهره‌گیری از امکانات ملی برای حفاظت، غنی‌سازی و معرفی میراث سینمایی کشور، اشاره شد.

نکته قابل توجه در این آیین‌نامه ماده (۵) است که بیان می‌دارد «دستورالعمل‌ها و مقررات مربوط به نحوه اداره جلسات، رأی‌گیری، ابلاغ مصوبات و تصمیمات و سایر امور مربوط به شورای مذکور، پس از تصویب در شورا با امضای معاون اول رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا می‌باشد». لازم‌الاجرا بودن این مصوبات دلالت بر این دارد که تصمیماتی الزام‌آور برای سایر دستگاه‌های فرهنگی و غیر فرهنگی به همراه خواهد داشت. از این رو در ادامه ملاحظاتی که لازم است برای فعالیت شورای سینما در نظر داشت، بیان خواهد شد. اما پیش از آن نگاهی خواهیم انداخت به موانعی که بر سر راه شورای عالی سینما بود.

موانع تشکیل شورای عالی سینما

اشکال قانونی وارد شده به آیین‌نامه مصوب (۱۳۹۰): مطابق نظر هیئت تطبیق قوانین مجلس شورای اسلامی بر مصوبات مربوط به این شورا که طی نامه رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح گردید، ایراد اصلی وارد شده این بود که شورا در جایگاه

سیاستگذاری قرار گرفت و با نقش و وظایف قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تعارض بود. این نظر در دولت دهم رفع نشد و دولت یازدهم هم نسبت به رفع آن اقدامی نکرد و بدین طریق وجود شورا بلااثر شد.

عدم همراهی رئیس شورا: طبق مصوبه هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۹/۰۴/۳۰ رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس شورای عالی سینما تعیین شده بود. به علل احتمالی چون اولویت نداشتن مسائل سینما در میان مسائل کلان کشور (مانند مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و از همه مهم‌تر مشغله‌های مربوط به مسائل سیاست خارجی که ازسوی دولت‌های دهم و یازدهم پیگیری می‌شد، رؤسای جمهور خود را از حضور در شورا کنار کشیدند و آن را به وزیر (نایب‌رئیس) سپردند. وزارتخانه هم یا توان پیشبرد آن را نداشت یا بنا به ملاحظات خاصی از تداوم آن سر باز زد.

نبود همراهی لازم از سوی مجریان برای اجرای مصوبات شورا: پس از تشکیل شورا صرفاً موضوع‌هایی همچون امنیت شغلی، مالیات، بیمه، مسکن و مسائل رفاهی هنرمندان و سالن‌سازی و مباحث سخت‌افزاری و نرم‌افزاری سینما و ... در جلسات مطرح شد و تا پایان دولت دهم به غیر از تشکیل سازمان سینمایی تقریباً هیچ‌یک از مصوبات به مرحله اجرایی نرسید. دلایل مختلفی در این زمینه می‌توان گفت که یکی از علل اصلی، نبود منافع بینابخشی است. درواقع منافع و نتایج آن برای سینما بود و هزینه‌هایی را برای سایر دستگاه‌ها (نظیر وزارت اقتصاد و دارایی (گمرک)، راه و شهرسازی و...) و نظام بودجه‌ریزی کشور ایجاد می‌کرد.

ایجاد ساختارهای موازی در کنار ساختارهای تصمیم‌سازی موجود، مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و فرهنگستان هنر: به‌هرحال نهادی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی در جایگاه سیاستگذار حوزه فرهنگ و قرارگاه فرهنگی کشور که سینما را به‌عنوان بخشی از کمیته هنر و معماری در ذیل دبیرخانه خود دارد و فرهنگستان هنر

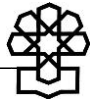


که خود را مشاور سیاست‌گذاری هنر و در ذیل آن سینمای کشور می‌داند، ممکن است در پذیرش نهادی موازی با خود برای سیاست‌گذاری دچار اشکال شود. تاحدودی اثر این قرابت حوزه کاری را می‌توان در عضویت دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در «شورای سینما» دانست، درحالی‌که پیش‌تر در «شورای عالی سینما» اسمی از این شورا نبود. احتمال نبود پذیرش تصمیمات اتخاذ شده از سوی نهادهایی که خارج از دولت هستند؛ مانند حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و صدا و سیما جمهوری اسلامی: سازمان صدا و سیما و حوزه هنری بنا به جایگاهی که در نظام حکمرانی فرهنگ دارند و به‌عنوان متولیان تأثیرگذار در حوزه فیلم و نمایش به‌شمار می‌آیند در برخی موارد با مصوبات همراهی لازم را نداشتند و این امر خود از اعتبار اجرایی مصوبات می‌کاست. کمبود پشتیبانی لازم از سوی سینماگران که تداوم فعالیت شورا را فراهم نمی‌کرد: بدنه اصلی سینما که شامل طیفی از افرادی است که به فعالیت‌های سینمایی مشغولند، خواستار آن بودند که سازمان سینمایی برای ارائه حمایت‌ها از سازوکار مناسب‌تری برخوردار باشد. این در حالی است که به نظر برخی اهالی سینما، شورای عالی سینما در پی اقدام‌هایی بود که توجه کمتری به این مطالبات داشت. به‌عبارتی، انتظار سینماگران از شورا طراحی سازوکارهای اجرایی مناسب و مطمئن برای حمایت مادی و معنوی از سینماگران بود. اما راهبرد شورا سیاست‌گذاری کلان این حوزه را در برداشت که حمایت بخشی از آن بود. کم بودن نقطه نظرات مشترک همراه با مسائل «خانه سینما»، تدام فعالیت شورا را با مشکل مواجه ساخت.

ملاحظات راه‌اندازی مجدد شورای (عالی) سینما

روندی که برای شورای عالی سینما طی شد، اگرچه ناموفق بوده اما تجربیاتی را در همه ابعاد ساختاری، اجرایی و سیاستی در خود انباشته که لازم است پیش از راه‌اندازی شورای سینما به آنها توجه ویژه داشت. به‌علاوه تجربیات مربوط به شوراهای مختلفی که در نظام حکمرانی کشورمان و نیز سایر نظام‌ها وجود دارد که با مطالعه و بررسی آنها می‌توان طرحی بهتر درانداخت. با همین نگاه و کارکرد فرابخشی شوراهای عالی می‌توان انتظار داشت، شورای عالی سینما یا شورای سینما بتواند در دوره بازگشت مجدد اثرگذاری سیاستی و مدیریتی لازم را داشته باشد. این اثرگذاری حاصل نخواهد شد مگر آنکه بتواند به برخی نکات توجه کند.

لزوم رفع موانع قانونی: مهمترین معضلی که به نظر می‌رسد شورای سینما بدان مبتلا گردد، همان ایرادی است که بر شورای عالی سینما وارد شده بود و آن اینکه، تشکیل شورای سینما با توجه به صلاحیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص موضوع سینما مندرج در قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵ محل وظایف و اختیارات این وزارتخانه می‌باشد. به عبارتی هر چند آیین‌نامه جدید سعی کرده در نوشتار این ایراد را رفع کند، لکن با توجه به ترکیب این شورا، امکان دارد در جایگاهی فراتر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گیرد. همچنین در ماده (۵) آیین‌نامه شورای سینما اذعان شده که «... ابلاغ مصوبات و تصمیمات و سایر امور مربوط به شورای مذکور، پس از تصویب در شورا با امضای معاون اول رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا می‌باشد». این ماده آیین‌نامه به نحوی الزام‌آوری تصمیمات این شورا را متذکر می‌شود. بدین شکل این شورا دیگر در حد پیشنهاد دهنده، حامی، تقویت کننده روابط و مانند آنها نیست.



جلوگیری از ایجاد ساختار جدید: ایجاد این شورا به دلیل اینکه می‌تواند در روند پیش‌روی وزارتخانه مزبور اختلالی ایجاد کند و همچنین ساختاری را به ساختارهای موجود بیافزاید، مغایر بند «۱۰» سیاست‌های کلی نظام اداری (مبنی بر چابک‌سازی، متناسب‌سازی و منطقی ساختن تشکیلات نظام اداری در جهت تحقق اهداف چشم انداز) و بند «۱۶» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (مبنی بر منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید) است.

با این اوصاف باید گفت، اگر خلاء قانونی در خصوص موضوع سینما وجود دارد، بهتر است از ظرفیت بند «۲۹» ماده (۲) قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استفاده شود یا طرح یا لایحه ای جامع در حوزه سینما تهیه شود و در سیر مراحل قانونی قرار گیرد. همچنین اگر نیاز به هماهنگی در سطح دستگاه‌های اجرایی باشد، می‌توان از ظرفیت اصول یکصدوسی و چهارم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی بهره گرفت. بدیهی است اگر دولت بخواهد صلاحیت قانونی خود را تفویض کند، باید این امر به استناد اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی صرفاً از طریق کمیسیونی متشکل از چند وزیر صورت گیرد.

جایگاه شورای عالی یا شورا: جایگاه شورای عالی برای سینما می‌توانست این موقعیت را ایجاد کند که با اتخاذ تصمیماتی در سطح سیاستگذار در تسریع روند بهینه‌سازی فرایندهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری سینمای جمهوری اسلامی ایران به صورت تخصصی‌تری ورود داشته باشد. بنا به هر علتی این رویه در دور جدید احیای شورای سینما به سطح هماهنگی تقلیل یافته است. با این حال، اگر درک درستی نسبت به جایگاه این شورا در میان دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط (بخشی یا فرابخشی) برای هم‌افزایی و تقویت ارتباط میان بخش‌ها جهت پیشبرد امور سینما فراهم آید، خود می‌تواند مقررماندهی تأثیرگذار در سینمایی باشد که سال‌هاست از نبود یک مدیریت راهبردی رنج می‌برد.

مجلس شورای اسلامی: با توجه به اینکه مهم‌ترین نهاد مشروعیت‌بخش به تصمیمات در نظام حکمرانی مجلس شورای اسلامی است و در مسیر اتخاذ تصمیماتی که الزام قانونی باید به‌دست آورند، بسیار مؤثر خواهد بود. از این‌رو حداقل این است که با توجه به ترکیب موجود شورای سینما و با فرض تغییر جایگاه شورای سینما به جایگاه هماهنگ‌کننده و مشورتی، نماینده یا نمایندگانی از مجلس شورای اسلامی و به‌صورت خاص کمیسیون فرهنگی در این شورا حضور (ارائه نظرات مشورتی) داشته باشند.

کمک به رفع خلأ قانون جامع برای سینما: حوزه سینما در کشور ما قانون مشخص و جامعی ندارد و قوانین و مقررات موجود، حوزه محدودی از سینما را پوشش می‌دهند و غالباً نیازمند بازنگری هستند. بسیاری از این مقررات به مرور زمان از کارکرد مؤثر خود خارج شده و نیازمند تنقیح و بررسی است. همچنین نیاز به آن داریم تا وظایف و تکالیف کلیه نهادها و دستگاه‌هایی که به نوعی با سینما در ارتباط هستند به‌صورت مشخص تعیین و تبیین شود. لذا شورای سینما می‌تواند در دوره جدید خود بسیاری از قوانین را با توجه به شرایط روز بازبینی و متون منقح شده و منسجم آنها را به مراجع تصمیم‌گیر و مشروعیت‌بخش مانند مجلس شورای اسلامی ارائه کند و یا از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی طی یک سند جامع برای سینما شرح وظایف دستگاه‌های مختلف را در خصوص سینما تبیین کند.

تعامل با شورای عالی انقلاب فرهنگی: اگرچه شورای عالی انقلاب فرهنگی در شورای سینما به‌عنوان عضو به رسمیت شناخته شده، اما باید بدانیم که سینما به‌عنوان یکی از حوزه‌های اصلی در نظام سیاستگذاری فرهنگی کشور شناخته می‌شود. در خصوص حوزه سینما هم چند سیاست خاص و عام درباره سینما در شورای عالی انقلاب فرهنگی اتخاذ شده است، نظیر:



- بررسی و هماهنگی سیاست‌های سینما، تئاتر، صداوسیما و مطبوعات (مصوب جلسه ۲۹۴ مورخ ۱۳۷۱/۸/۲۶)
 - سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی و مواد سمعی و بصری خارجی (مصوب جلسه ۵۷۰ مورخ ۱۳۸۴/۷/۲۷)
 - شرایط استفاده صحیح از لوازم و تجهیزات و محصولات مختلف سمعی و بصری و برنامه‌های تصویری در قالب ویدئو (مصوب جلسه ۲۹۸ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۲)
 - ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه (مصوب جلسه ۴۶۱ مورخ ۱۳۷۹/۲/۶)
- با توجه به گستره و اهمیتی که فعالیت‌های سینمایی دارند، در تعامل با شورای عالی انقلاب فرهنگی، جداسازی تصمیم‌گیری و سیاستگذاری برای سینما می‌تواند به سرعت بخشی در اتخاذ و پیشبرد تصمیمات و سیاست‌ها کمک بیشتری کند و به نفع سینما قابل تقدیر است.

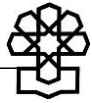
تقویت شرایط لازم برای اجرای تدابیر شورا: یکی از مهم‌ترین ایرادهای وارده به بیشتر شوراهای عالی این است که مصوبات آنها ضمانت اجرایی لازم را ندارند و بیشتر «در حد شعار» باقی می‌مانند. شورای سینما اگر نتواند در این دوره تدابیری را که اتخاذ می‌کند به مرحله اجرا برساند، به احتمال بسیار مسیر شورای قبلی را طی خواهد پیمود و ممکن است با تصمیم مدیران آینده، از ادامه فعالیت بازماند. از این جهت الزامی است که هم‌زمان با تشکیل این شورا به سازوکارهای اجرایی‌سازی و از آن مهم‌تر به نتیجه رسیدن تدابیر اندیشید. آنچه از آیین‌نامه مصوب ۱۴۰۰ برمی‌آید، غالباً تکرار اهدافی است که از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون برای سینما گفته شده و برخی از وظایف از عهده شورا خارج است. از این‌رو در عمل انتظارات دیگری باید داشت.

تقویت اندیشه‌ورزی چندبعدی در ساختار شورا: ماهیت شکلی عموم شوراهای یکسان است اما شورای سینما با ظرافت‌هایی که در مسائل سینما با آن روبه‌روست به لوازم مختص

خود نیاز دارد. حوزه سینما در ایران یک پدیده چندبعدی است که از یکسو فرهنگ مهم‌ترین مؤلفه آن است و از سوی دیگر اقتصاد موتور محرک و تقویت‌کننده آن به حساب می‌آید. سیاست هم ارتباط تنگاتنگی با سینما دارد. فیلمسازان به اجتماع می‌پردازند و آثار خود را با روزمرگی جامعه ایرانی پیوند می‌زنند. لذا در ساختار شورای سینما با توجه به کارکرد تصمیم‌گیرانه بودنش باید ارکانی را جهت تصمیم‌سازی با آن همراه کرد. به عبارتی تدابیر شورا به‌عنوان یک راهبرد در حوزه سینما باید دارای پشتوانه‌های کارشناسانه و سیاست‌پژوهانه باشد. از این جهت در ساختار شورا لازم است سازوکارهایی برای بررسی چندبعدی تصمیمات پیش از ورود به مرحله تصمیم‌نهایی تعبیه شود.

تعیین شأن حکمرانی در اتخاذ سیاست: اگر قائل به چهار شأن سیاستگذارانه، تسهیل‌گرانه، تنظیم‌گرانه و ارائه خدمات برای حکمرانی باشیم، شورای (عالی) سینما باید یکی از شئون را در اولویت خود قرار دهد و متناسب با آن، ساختار مورد نیاز را برای نهادهای اجرایی تعیین کند. به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه شورا، مسائل سینما و همچنین ساختارهای اداری و اجرایی موجود، شورا می‌تواند در جایگاه تنظیم‌گر میان مراجع سیاستگذار و بخش اجرا باشد و در ترجمه سیاست‌های فرهنگی به برنامه‌های سینمایی و در بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش‌های مختلف اجرایی و حتی قضائی به نفع سینما اقدام به اتخاذ راهبرد کند.

تنظیم نسبت تصمیمات شورای سینما با تصمیمات شوراهای همسطح و یا بالاتر: شورای سینما به دلیل ماهیت چندبعدی سینما و مسائل مبتلابه آن با برخی از شوراها تداخل موضوعی دارد یعنی علاوه بر اینکه مسائل ماهیتی فرابخشی دارند و از طریق شورای سینما پیگیری می‌شود، می‌توانند ماهیتی بینابخشی با برخی از شوراها مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، شورای اقتصاد



و... داشته باشند. در این صورت باید تدابیری اتخاذ شود که تصمیمات این شورا با تصمیمات شوراهای هم‌سطح یا بالاتر نقیض یا ضد نشوند.

توجه به داشتن نگاه فرابخشی برای چینش اعضای شورا: انتصاب اشخاص متخصص، متعهد، مجرب و مرتبط شاید از عمومی‌ترین ویژگی‌های مورد نیاز برای شورای سینما باشد. اما مهم‌تر از آنها باید به چند خصیصه توجه ویژه‌ای داشت: نخست اینکه در راستای راهبردهای کلان سیاستگذارانه برای سینما باشند. سیاستگذاری برای سینمای ایران سال‌هاست برای خود تعریف مشخصی ندارد؛ یعنی نمی‌توان گفت فلان سیاستگذار در چه مسیری سینمای ایران را به پیش برده است؛ به‌عنوان مثال، آیا سینما را در قامت یک هنر گامی به جلو برده و بعد از یک دوره مدیریتی نتایج آن تبدیل سینمای ایران به سینمای هنری بوده است؟ آنچه از چینش اعضای هیئت امنای بنیاد سینمایی فارابی، برمی‌آید این است که رویکردی فرهنگی - اقتصادی برای سینما طراحی شده است. اگر چنین باشد، بدون ارزش‌گذاری، فرضاً می‌توان همین رویکرد را در چینش اعضای شورای سینما پی گرفت چراکه مسیر مشخصی را برای ذی‌نفعان و ذی‌ربطان ترسیم خواهد کرد. دوم، در چینش باید توجه داشت کسانی بر مسند تصمیم‌گیری در شورا قرار گیرند که کمترین تعارض منافع را با تصمیمات شورا داشته باشند. تعارض منافع امروزه به‌عنوان یکی از عوامل ذهنی مؤثر بر کجروی‌های سیاستی به‌شمار می‌رود و لازم است شورای سینما در ابتدای کار خود این مسئله را مورد توجه قرار دهد. دیگر آنکه، چند بعدی بودن سینما از نظر تاثیراتی که بر فرهنگ، اقتصاد، سیاست و حتی اجتماع دارد این الزام را می‌تواند در چینش اعضای شورا ایجاد کند که از مقامات یا نخبگان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کنار طیف فرهنگی، که در حال حاضر مشخص شده‌اند، قرار گیرند تا در پیشبرد نیازهای مختلف سینما، نظیر سرمایه‌گذاری، مالیات و گمرک و غیره، در حوزه مربوطه هماهنگی لازم را انجام دهند.

رعایت اصول مربوط به شفافیت و حضور عموم: آنچه می‌تواند دوام و قوام نظام تصمیم‌گیری را مراقبت کند همراهی آگاهانه کسانی است که تصمیمات برای آنها اتخاذ می‌شود. کما اینکه جلسات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر عموماً با حضور غیرمستقیم مردم از طریق رسانه‌ها برگزار می‌شود. این امر بر شورای سینما لازم می‌دارد که سازوکارهایی را تعبیه کنند تا ضمن داشتن رویه‌های عمومی شفاف امکان بهره‌گیری از بازخوردها و حمایت‌ها از ذی‌نفعان و متأثران و مخاطبان از تصمیمات را فراهم آورد. در آخر انتظار می‌رود، دولت سیزدهم در راه‌اندازی شورای سینما ضمن توجه ویژه به نیاز اصلی حکمرانی در سینما برای اجرای درست و مقتدرانه قوانین و مقررات مصوب و اعلان وجود خلاء و یا نقصان در آنها جهت رفع از طریق مراجع ذیصلاح، از ایجاد ساختارها و شوراها جدید، که نه تنها کارکرد موثری نداشته، بلکه کندی روند اجرای سیاست‌ها را به همراه داشتند، پرهیز نماید.

منابع و مآخذ

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی شناسنامه <https://shenasname.ir>
۲. پایگاه خبری خبرگزاری فارس <https://www.farsnews.ir>
۳. سامانه ملی قوانین و مقررات <https://qavanin.ir>
۴. «سیاست‌های کلی نظام اداری»، ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹
۵. «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۲
۶. طهماسبی، محمدحسن (۱۳۹۷)، جایگاه شوراها عالی در نظام حقوقی ایران، دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق، کازرون <https://civilica.com/>
۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۸. قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی
۹. پایگاه خبری خبرگزاری مهر <https://www.mehrnews.com>
۱۰. پایگاه خبری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران <https://www.iribnews.ir>